

پژوهشنامه تمدن ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال اول، شماره سوم، بهار ۱۳۹۸

نگاهی کوتاه به عملکرد انجمن های بلدی و ایالتی و ولایتی

از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۸ ه.ق بر طبق اسناد

باقرعلی عادل فر^۱

پوریا اسمعیلی^۲

چکیده

این نوشتار به اختصار عملکرد انجمن های بلدی و ایالتی و ولایتی پس از استقرار دولت مشروطه در ایران را از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۸ ه.ق، با تکیه بر اسناد مهم بررسی می نماید. با تدوین قانون اساسی و طبق اصل ۹۰ تا ۹۳، فرمان تشکیل این انجمن ها صادر و طرز انتخاب نمایندگان آنان نیز مشخص شد. در واقع دولت قصد داشت تا با این اقدام به برقراری نظم، امنیت و عدالت در اقصی نقاط کشور یاری رساند. اما همین مسئله سبب گردید تا برخی از امورات محلی از امور ملی تفکیک گردد و اداره آنها در صلاحیت مقامات محلی قرار گیرد و آنان چه از جهت انتخاب و چه از حیث برکناری نسبتا مستقل از مقامات دولت مرکزی باشند. همچنین اختیارات گسترده در این حوزه نظیر؛ تصویب بودجه شهر، برقراری مالیات ها و عوارض محلی، نظارت بر اداره اموال شهر، تصویب اخذ وام و به طور کلی تصویب هرگونه معاملات برعهده انجمن ها بود. این مقاله با استفاده از روش پژوهش تاریخی مبتنی بر توصیف و تحلیل و با تکیه بر اسناد و منابع، ابعاد و زوایای این موضوع را بررسی خواهد کرد. یافته های تحقیق نشان می دهد، انجمنها با اختیاراتی که داشتند در برخی از مواقع از قدرت خویش سوء استفاده کردند و برخلاف نظر حکومت مرکزی رفتار نمودند. با این حال، جهت حفظ ظاهر تا حدودی به مناطق تحت سیطره خویش توجه کرده و اقدامات عام المنفعه ای را انجام دادند.

واژگان کلیدی: شهرها، انتخابات، انجمن بلدی، انجمن ایالتی و ولایتی، عملکرد انجمن ها

^۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین. badelfar@gmail.com.

^۲. دانشجوی دکترای تاریخ ایران دوران اسلامی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین. (نویسنده مسئول). historian.p@gmail.com

A brief look at the performance of the Baladeh and State and Provincial Associations From 1325 to 1328 AH According to the documents

Abstract

This article briefly examines the functioning of the Baladiyah, State and Provincial Associations after the establishment of the Constitutional Government in Iran from 1325 to 1328 AH, relying on important documents. By drafting the constitution and in accordance with principle 90 to 93, the order was issued for the formation of these associations and the manner in which their representatives were elected. In fact, the government intended to help restore order, security and justice in all parts of the country. However, this led to the separation of some local affairs from national affairs and their administration is in the capacity of local authorities and they are either relatively independent from the authorities of the central government for the purpose of choosing or for removal them. There are also broad powers in this area, approval of the city budget, establishment of taxes and local taxes, supervision over the administration of the city property, approval of obtaining a loan and, in general, approval of any transactions was carried out by the associations. This paper uses a historical research methodology based on description and analysis and relying on documents and resources dimensions and angles of this issue will checked. Research findings show, associations with the have authority they had at some times abuse their power and behaved unlike the central government opinion. However, to preserve the appearance somewhat they paid attention to the areas under their control and they gave out general activities.

Keywords: Cities, elections, Baladia association, State and Provincial association, association function

۱- مقدمه

پرداختن به عملکرد انجمن های بلدی و ایالتی و ولایتی به عنوان نهادهای انقلاب مشروطه ایران می تواند به عنوان تاریخچه شهرداری، شورای شهرها و نیز استانداری ها مهم باشد. اقدامات انجمن بلدی در جهت بهبود وضعیت مردم و سر و سامان دادن به امورات شهرها و حتی روستاها و نیز رویکردهای انجمن های ایالتی و ولایتی در نظارت بر عوامل حکومتی، جمع آوری مالیات و مسائل سیاسی آن هم در جامعه عصر قاجار با توجه به شرایط ویژه ایران که درگیر دخالت و تسلط روس و انگلیس و بی کفایتی دولتمردان و نیز اختلاف و ضعف نمایندگان مجلس بود می تواند نقش این انجمن ها را به خوبی نمایان سازد. البته باید بدین نکته هم اشاره کرد که اعضای آن در شهرهای مختلف ایران بطور یکسان عمل نمی کردند و برنامه های آنان در همه جا به یک شکل نبود، گرچه هدف آنها ارتقاء کیفیت شهرهای خویش بود و در این راستا کارهای جزئی انجام دادند اما از آنجا که نمایندگان تخصص کافی نداشتند و از بودجه کافی نیز برخوردار نبودند و جهت تأمین نیازهای پولی انجمن به حکومت مرکزی که دچار بحران مالی بود توجه داشتند و نمی توانستند نیازهای خود را با مدیریت و درآمد زایی برطرف نمایند با مشکلات عدیده ای مواجه گشتند، از طرفی هم برخی از اعضا نیز به خاطر منفعت طلبی به انجمن ها رفتند و به رفاه و آسایش مردم توجهی نداشته و صرفاً به دنبال کسب سود و منافع شخصی بودند و علی الظاهر سخنانی می گفتند اما در عمل اجرا نمی کردند و با دیگر افراد انجمن هم به شدت اختلاف نظر داشتند، همین مسائل سبب گردید تا تغییرات بنیادین در ساختار شهرها بوجود نیاید و اوضاع تقریباً شبیه به دوران استبداد باشد. با ذکر این مقدمه کوتاه اینک به اصل موضوع پرداخته می شود.

۱-۱- بیان مسئله

در این مقاله عملکرد انجمن های بلدی و ایالتی و ولایتی از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۸ ه.ق، با تکیه بر اسناد به اختصار مورد تحقیق و بررسی قرار می گیرد. علت انتخاب این موضوع چنین است که عمده ترین نهاد و دستاورد انقلاب مشروطیت قانون بود. بنابراین در همین راستا انجمن ها تشکیل شدند. در انجمن های بلدی نمایندگان مردم حضور داشتند که شوراها را ایجاد کردند اما انجمن های ایالتی و ولایتی نیز در مجلس اول شکل گرفتند که نوعی حکومت محلی بودند و

به اداره منطقه تحت سلطه خویش می پرداختند و انجمن های بلدیہ را هم زیر نظر داشتند و بر انتخابات مجلس نیز نظارت می نمودند. اعضای آن انتخابی بوده و از عناصر با نفوذ محلی تشکیل می شدند. در بین آنها علما، اصناف و تجار متنفذ و نظامیان هوادار مشروطه حضور داشته و اعمال قدرت می کردند. انجمن بر اساس شرایط اقلیمی منطقه خود اقدامات گوناگونی نظیر؛ نظارت بر مالیات گیری، رسیدگی به شکایات مردم، قیمت گذاری و جمع آوری آذوقه انجام می دادند. در برخی از نقاط مانند، گیلان تقسیم پيله ابریشم را در اختیار داشتند. بنابراین سؤال اصلی پژوهش این است که هدف اصلی حکومت پس از استقرار مشروطه از تشکیل انجمن های بلدیہ و ایالتی و ولایتی چه بود؟ فرضیه حاصله نیز چنین است که با تشکیل انجمن بلدیہ رسیدگی به شکل شهرها و اقدامات عام المنفعه مورد توجه بود و نیز با برپایی انجمن های ایالتی و ولایتی اعضای آن وظیفه داشتند بر عوامل استبدادی شهر از جمله حاکمان شهرها نظارت کنند تا بدین طریق قوانین حکومت مشروطه در آن مناطق به درستی اجرا شود.

۲-۱- پیشینه تحقیق

پیرامون پیشینه موضوع مقاله هم تاکنون تحقیقاتی به شرح ذیل البته با تفاوت هایی انجام شده است:

مقاله سیر تحول اداره شهرها توسط انجمن ها و شوراهای شهر، نویسنده کمال هریسی نژاد، در سال ۱۳۸۹، حکومت مشروطه و شکل گیری مدیریت شهری در انزلی (۱۳۲۶-۱۳۲۴.ه.ق)، نویسنده محمد بیطرفان، در سال ۱۳۹۲، شکل گیری نخستین انجمن شهری قزوین در عصر مشروطیت، اثر حجت فلاح توتکار و محمد بیطرفان، در سال ۱۳۹۳، شکل گیری و عملکرد انجمن بلدیہ تهران در دوره اول مجلس شورای ملی، اثر حجت فلاح توتکار و محمد بیطرفان، در سال ۱۳۹۱، شکل گیری و عملکرد انجمن بلدیہ اصفهان در دوره اول مجلس شورای ملی، از حجت فلاح توتکار و محمد بیطرفان، در سال ۱۳۹۰، شکل گیری و عملکرد انجمن بلدیہ تبریز در دوره اول مجلس شورای ملی، از حجت فلاح توتکار و محمد بیطرفان، در سال ۱۳۹۱. با توجه به اینکه در آثار فوق تنها عملکرد انجمن های شهرهای مختلف جداگانه مورد تحقیق قرار گرفته است، بنابراین جنبه نوآوری مقاله این است که در نگارش آن سعی شده تا با انجام تحقیقی علمی عملکرد اصلی انجمن ها در سطح ملی و با بهره گیری از اسنادی که کمتر استفاده شده و نیز

منابع اصلی، ابعاد و زوایای موضوع مورد نظر در مدت زمان خاص از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۸ ه.ق. بدون پرداختن به مطالب حاشیه ای با دقت تحقیق و تفحص گردد تا از این طریق نکات مبهم روشن و قسمتی از تاریخ مشروطه ایران بیان شود. همچنین می تواند تاریخچه مهمی درباره نظام شهرداری و شوراهای شهر و حتی استانداریها باشد.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

بررسی تاریخچه انجمن های بلدی و ایالتی و ولایتی بر طبق اسناد آرشیوی و متون تاریخی می تواند نحوه عملکرد واقعی آنان را به خوبی نشان دهد که چگونه دولتمردان با شکل گیری انقلاب مشروطه تصمیم گرفتند به اوضاع نابسامان شهرها و مناطق محروم طبق قانون اساسی رسیدگی نمایند و به انجام اصلاحات مهم علی رغم مشکلات زیاد فکر کنند و اینکه چه کارهایی انجام دادند و نیز چگونه به خاطر ضعف دولت مرکزی و سوء مدیریت و عدم وحدت و اتفاق نظر با شکست مواجه شدند، همه این مسائل می تواند درس مهمی برای آیندگان باشد که باید افراد توانا و با کفایت را به عنوان مدیران خویش انتخاب کنند و در نهایت با کنار گذاشتن اختلافاتی که مانع تحقق اهداف بزرگ و سازندگی است به شکوفایی کشور یاری رسانند و از سرگذشت افراد و انجمن های فوق عبرت بگیرند.

۱-۴- روش انجام تحقیق

روش انجام پژوهش، تاریخی مبتنی بر توصیف و تحلیل است که تلاش می شود با استناد و تأکید بیشتر به اسناد آرشیوی و نیز منابع معتبر تحقیقی علمی ارائه گردد.

۲- بحث

۲-۱- چگونگی شکل گیری انجمن های بلدی و ایالتی و ولایتی

انقلاب مشروطیت باعث شد تا در هر یک از ایالات ایران انجمن هایی جهت اداره امور مردم شکل گیرد. نمایندگان مجلس با تدوین قانون اساسی تلاش کردند تا اهالی مملکت در مقابل قانون از هرگونه تعرضی در امان بمانند و جان، مال و ثروت آنان از تجاوز مصون باشد. (آبراهامیان، ۱۳۸۳: ۱۱۴)، در واقع، جنبش مشروطه همگانی شمرده می شد و گذشته از شهرها در

بسیاری از دیه ها نیز مردم شور و خروش از خود نشان دادند. بنابراین این حق را داشتند تا از قوانین مدون مجلس بهره مند شوند. (کسروی، ۱۳۸۲: ۵۸۹)

طبق اصل ۹۰ تا ۹۳ متمم قانون اساسی نحوه تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی و طرز انتخاب نمایندگان انجمن ها و حدود و وظایف آنان مشخص شد. (شمیم، ۱۳۸۳: ۴۹۶) تا بر امور محلی نظارت داشته باشند و عدالت و مساوات میان مردم برقرار شده و از هرج و مرج ممانعت شود. (فوران، ۱۳۷۸: ۲۸۵)

فکر آزادی و حرکت مشروطه خواهی با تشکیل انجمن ها سبب گردید تا در شهرها و روستاها رعایا بدین نتیجه برسند که پس از این حکمرانی به اراده مردم است و در مجلس هم گفته شد: «با آزادی ملت دهقانان دیگر بندگی همجنس خودشان را نمی پذیرند». تحول نسبی افق فکری تا یک درجه، زمینه آگاهی نسبت به اشتراک منافع اجتماعی را میان رعایای بعضی نواحی و گروهی از پیشه وران ایجاد کرد. این خود عامل تحرک اجتماعی تازه ای گردید. (آدمیت، ۱۳۸۷: ۴۶۱)

با ذکر این مطلب اینک وظایف و عملکرد انجمن ها به تفصیل بررسی می گردد:

۲-۱-۱- انجمن بلدیّه

این انجمن در ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۲۵ ه.ق به تصویب مجلس رسید و به عنوان شورای شهر از نمایندگان محلات مختلف تشکیل شد و بر اساس نظام نامه تمام مسائل مربوط به حوزه شهر را در بر می گرفت و به نوعی به شهرداریهای امروزی شباهت داشت. وظایف آن عبارت بود از: اعلام نرخ ارزاق، نظافت خیابان ها و کوچه های شهر، ساختن بیمارستان، مدرسه و.. (روزنامه ایران، ۱۳۲۴ ه.ق، ش ۴/۱۱)

در گیلان، آذربایجان، اصفهان، تهران، قزوین و مشهد این انجمن طبق اساس نامه ای که تدوین شده بود تا آنجا که توانست قوانین را اجرا نمود و از بروز آشوب جلوگیری کرد و به رفاه مردم یاری رساند. آنان با شماره گذاری منازل نظم را در محلات بوجود آوردند، گرچه که در این راه عده ای با مخدوش نمودن نمره ها باعث اختلال شدند اما اعضای انجمن مقاومت کردند و به کار خویش ادامه دادند. (روزنامه جبل المتین، ۱۳۲۵ ه.ق، ش ۲/۱۳۹)، همچنین؛ به اقدامات عام المنفعه هم همت گماشتند و به نظافت و زیبایی شهرها پرداختند. بنا به گزارش روزنامه وطن: «انزلی با آن کثافت و هرج و مرج فعلا مثل یکی از بلاد فرنگستان است». (روزنامه وطن، ۱۳۲۵ ه.ق، ش ۳/۸۲)

اقدامات ارزنده انجمن های بلدی نوعی الگوی شهرنشینی نوین را محقق می ساخت. زیرا با مردم در تماس بودند و از نزدیک وضعیت آنها را مشاهده می کردند و گرفتاری و مشقت زندگانی اقشار مختلف جامعه را درک و درصدد رفع مشکلات بودند. فعالیت انجمن در جهت تثبیت قیمت ها، منع احتکار و بوجود آوردن امکانات رفاهی نظیر کشیدن برق، ساخت تراموای شهری، تسطیح خیابانها و بهداشت عمومی باعث شد تا مردم دیگر نسبت به انجمن بلدی بدبین نباشند و حتی در انجام امورات شهری به آنان کمک نمایند و اعضای انجمن را از خود بدانند. با گذشت زمان اختیارات انجمن ها گسترده تر شد و از استقلال بیشتری برخوردار شدند به طوریکه دیگر هیچ نهادی نمی توانست خودسرانه آنها را منحل کند. با این حال، حق نظارت حاکم و رسیدگی به فعالیت های اداره بلدی نیز برای جلوگیری از تخلفات در قانون پیش بینی شده بود. (فلاح توتکار و بیطرفان، ۱۳۹۳: ۸۷)

اما انجمن در راستای اجرای برنامه های خویش با مشکلاتی نیز روبرو شده بود از جمله: کمبود منابع مالی جهت فعالیت های عمرانی و سازندگی (روزنامه ایران، ۱۳۲۵ ه.ق، ش ۳/۱۰)، عقب افتادن حقوق کارکنان و کارگران اداره بلدی که استعفای برخی از اعضای انجمن ها در شهرها را به دنبال داشت. مثلاً در تهران میرزا ابراهیم خان به نشانه اعتراض استعفای خود را اعلام و انجمن را با ناراحتی ترک کرد. (روزنامه صبح صادق، ۱۳۲۵-۱۳۲۶ ه.ق، ش ۳/۱۱۴) و حتی به علت اختلافات بسیار برخی از نشریات اعضاء انجمن را به اهمال کاری و تمرد از قانون متهم کردند. برای نمونه، حبل المتین از آنان به شدت انتقاد کرد که این مسائل ضعیف شدن انجمن ها به ویژه بلدیة تهران را در پی داشت. انجمن هم به منظور رفع این مشکلات کمبود منابع مالی را بهانه قرار داد و در نهایت با تشکیل جلسه، توانستند دولت را متقاعد کنند و تا حدودی بر موانع غلبه نمایند. (روزنامه صبح صادق، ۱۳۲۵-۱۳۲۶ ه.ق، ش ۲/۲۱۳-۳)، پس از آن برای بهبود وضعیت روشنایی شهرها از کارخانه های اروپایی سیصد عدد چراغ خریداری کردند که رضایت و خشنودی مردم را فراهم ساخت. بدین ترتیب چراغ های نفتی از خیابانهای تهران برچیده شد. (عین السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۳/۱۹۳۹)، سایر اقدامات انجام گرفته از سوی انجمن بلدی به شرح ذیل است:

- ۱- رسیدگی به شکایات مردمی. (روزنامه صبح صادق، ۱۳۲۵-۱۳۲۶ ه.ق، ش ۲/۱۹۱)
- ۲- رسیدگی به وضعیت آب و لوله کشی محلات. (حبل المتین، ۱۳۲۵ ه.ق، ش ۴/۱۱۶)

۳- عوارض بر دکان هایی که بخشی از فضا و محیط بازار را اشغال می کردند. (روزنامه کَشکول، ۱۳۲۵ه.ق، ش ۴/۲۳)

در تبریز نیز انجمن برای احداث بیمارستان پیش قدم شد و حتی بعضی از اوقات در امور نظمی هم دخالت نمود. (فلاح توتکار و بیطرفان، ۱۳۹۱: ۵۳)، در اصفهان هم انجمن بلدیہ سرگرانی و بی کیفیتی نان نظارت کرد و باعث بهبود وضعیت آن شد تا نارضایتی مردم برطرف گردد. (فلاح توتکار و بیطرفان، ۱۳۹۰: ۹۶)، گرچه در اوایل شکل گیری انجمنهای ایالتی و ولایتی وظایف آن با انجمن بلدیہ تا حدی تداخل پیدا کرد اما زمانی که وظایف هریک طبق نظام نامه مشخص شد برخی از امورات جزئی شهری مانند: گران فروشی، به بلدیہ واگذار گردید و انجام کارهای بزرگ و تصمیمات سیاسی به انجمن های ایالتی و ولایتی محول شد. به هر حال، با وجود کارشکنی بعضی از افراد انجمن با قدرت به کار خویش ادامه داد و حتی با تأسیس صندوق خیریه در اصفهان به مستمندان مساعدت نمودند. (روزنامه انجمن بلدیہ، ۱۳۲۵ه.ق، ش ۴/۸)، و از ساخت اجناس تقلبی نیز جلوگیری کرده و اقوام و اقلیت های مذهبی را در مقابل متحجران و افراطیون حمایت کردند. (روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، ۱۳۲۵ه.ق، ش ۳/۴۶) و در نهایت بر روی اقلامی چون، تریاک، تنباکو و پنبه جهت تعادل در بازار مالیات بستند. پس در این حوزه هم نظارت مستقیم داشتند. (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۷۰)، از اقدامات دیگر انجمن بلدیہ احداث کتابخانه، قرائت خانه، نگهداری و ترمیم مساجد و آثار تاریخی بود که این مسئله بیانگر تلاش انجمن در بهبود و ارتقاء وضعیت فرهنگی شهرها است. (مذاکرات مجلس، ۱۳۲۵ه.ق: ماده ۲)

۲-۱-۲- انجمن های ایالتی و ولایتی

در میان خواسته هایی که به طور روشن از سوی برپا کنندگان نهضت مشروطیت به دولت مظفرالدین شاه اعلام گردید سخنی از برپایی انجمن های محلی نیامده است فقط در قانونی که تحت عنوان قانون انتخابات مجلس شورای ملی در نخستین روزهای پس از مشروطه توسط جمعی از نخبگان سیاسی نوشته شد، برای آنکه انتخابات مجلس از نفوذ حکام به دور باشد پیش بینی شد هیات نظارتی از طبقات شش گانه شهری زیر نظر حاکم تشکیل شود تا کار انتخابات مجلس را انجام دهند. اما با گذشت اندک زمانی در تبریز و اصفهان علما و بزرگان شهری جهت انتظام امور تشکیل چنین انجمن هایی را پیشنهاد دادند که می توانست به نوعی پایه گذار دموکراسی باشد. به

هر ترتیب پس از تصویب قانون انجمن های ایالتی و ولایتی در صفر ۱۳۲۵ ه.ق و براساس مصوبه مجلس شورای ملی، ایالت قسمتی از مملکت شد که به حکومت مرکزی و ولایات حاکم نشین تقسیم گردید و طبق قانون اعضای آن از میان منتخبین کرسی ایالت و توابع آن انتخاب شده و تعداد منتخبین کرسی های ایالت دوازده نفر و عده مبعوثینی که از ولایات جزء به کرسی ایالت فرستاده می شدند معادل عده ولایت حاکم نشین بود. بدان معنا که هریک از انجمن های ولایتی فقط یک نفر از میان خودشان به اکثریت آراء انتخاب نموده با اعتبارنامه ای به امضای انجمن ولایتی به انجمن ایالتی می فرستادند. در این قانون که در ۱۲۲ ماده تدوین شد، وظایف انجمن، بودجه، شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شنوندگان، شروط شرکت در انتخابات، قوانین نظارتی، شیوه رأی گیری، مشخصات صندوق رأی، نحوه ارائه شکایت از تخلفات به تفصیل بیان شده بود. طبق این قانون طول دوران نمایندگی این انجمن ها چهار سال بوده اما پس از انقضای دو سال اول نصف اعضا به حکم قرعه از عضویت خارج و بدل آنها انتخاب می شود. از این پس در رأس هر دو سال آن نیمه ای از اعضا که دوره چهار سال عضویت آنها به اتمام رسیده به موجب انتخاب جدید تبدیل یا تجدید می شود. شیوه تشکیل جلسات و بودجه مربوط به این نهاد و در نهایت نحوه نظارت بر عملکرد حاکم منطقه و مالیاتها از جمله دیگر مواردی بود که در قانون انجمن های ایالتی و ولایتی مد نظر قرار گرفته بود. (میرزا صالح، ۱۳۸۴: ۷۸۴)

از سویی، طبق نظام نامه انجمن ها، تدین به اسلام و عدم فساد عقیده و سوگند به قرآن کریم از جایگاه مهمی برخوردار بود. (فیضی، ۱۳۷۶: ۱۴۴)، فعالیت این انجمن ها در نخستین دوره مجلس به سبب مسائل و مشکلات فراوان تا حدود زیادی مختل شد و سرانجام با آغاز استبداد صغیر در سال ۱۳۲۶ ه.ق مستبدین انجمن های بسیاری را به تعطیلی کشاندند، اما با فتح تهران و روی کار آمدن مجدد مشروطه خواهان انجمن های ایالتی و ولایتی فعالیت خود را از سر گرفت و در تهران با توجه به اسناد موجود مدت زمان حیات آن نزدیک به پانزده ماه ذکر شده است که از اواخر جمادی الثانی ۱۳۲۷ ه.ق تشکیل و در رمضان ۱۳۲۸ ه.ق به پایان رسید. در شهرها نیز انتخابات برگزار گردید که گزارشهای مربوط به اعضای انجمن نظارت مرکزی انتخابات مناطق مختلف کشور در مورد تأیید صحت برگزاری انتخابات نمایندگان مجلس شورای ملی بدین شرح است: «امضاء کنندگان ذیل اعضای انجمن نظارت مرکزی انتخابات مازندران طبق موارد ۹ و ۱۱ انتخابات مورخه ۱۰ شهر (ماه) صفر المظفر ۱۳۲۸ بر حسب دعوت حکومت جلیله مازندران است (که) در

تاریخ ۱۷ شهر صفر الی ۱۹ تشکیل یافت تصدیق مینماید جناب شریعتمداری و شریف العلما (ناخوانا) بنا به رأی ۶۵ نفر رأی دهندگان ساری مجموعاً چهارصد نفر بودند و آراء خود را در روز جمعه ۲۱ شهر صفر در مسجد جامع تسلیم نمودند در درجه اولی منتخب گردیده (ناخوانا) (انجمن ولایتی مازندران). (سند شماره ۱، آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره آرشیو عکس ۱۴۴-۵۲-۱۷م) و نیز «امضاء کنندگان ذیل اعضای انجمن نظارت اثبات دارالسلطنه قزوین که موافق مواد نهم و دهم قانون اثباتی مورخه ۱۲ صفر ۱۳۲۷ بر حسب دعوتی جناب شرف الدوله در تاریخ ۱۵ شعبان ۱۳۲۷ تشکیل یافت تصدیق می نماید که جناب حاج (ناخوانا) اصفهانی بنا به رأی ولایتی نود و چهار نفر رأی دهندگان شهر قزوین که مجموعاً چهار صد بیست و یک نفر بودند و آراء خود را در سه روز ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ شهریور در مسجد شاه (ناخوانا) هیئت نظارت نمودند به اکثریت در درجه اول انتخاب شدند (ناخوانا)». (سند شماره ۲، آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره آرشیو عکس ۱۴۴-۵۲-۲۲م)

«بر حسب نظامنامه انتخابات در کمیسیون بایستی پانزده نفر از خود رشت و اطراف در درجه اول انتخاب شوند تا پس از حضور این پانزده نفر در مرکز در شهر رشت است پنج نفر در درجه دوم از میان این پانزده نفر حضور نمایند که مجلس مقدس شورای منتخب شوند (ناخوانا)» (سند شماره ۳، آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره آرشیو عکس ۱۴۴-۵۲-۲۴م)

در برخی از شهرهای کوچک نظیر نهاوند، زمانی که مردم انتخابات در سایر شهرها را مشاهده نمودند به واسطه نداشتن انجمن در شهر خویش به دولت مرکزی مطابق اسناد چنین اعتراض نمودند تا بدین صورت عدالت و قانون به طور یکسان در اقصی نقاط ایران اجرا شود:

«خلاصه عرض حال اهالی نهاوند بر اینکه از ظلم و تعدی به جان آمده، به واسطه نبودن انجمن ولایتی در نهاوند و بودن حکام سابق به نعمت مشروطه متنعّم نشده، استدعای اجازه انجمن و انتخاب وکیل برای تهران و حاکم هم سابق چنانچه مستقیماً از مرکز می آمد، حال هم استدعای این فقره را دارند شرحی هم در پشت عریضه ایشان در یکی از اعضای هیئت علمیه نجف توصیه کرده اند».

(نشان مجلس شورای ملی)

تاریخ ۲۵ محرم الحرام ۱۳۲۸ (میرزا صالح، ۱۳۸۴: ۷۸۶)

در همین راستا از نجف نیز نامه ای در حمایت از خواسته مردم نهاوند به دولت صادر گردید که نشان دهنده توجه آیات عظام به وضعیت مردم و اجرای قانون بود:

نجف اشرف

«حضور مبارک حضرت مستطاب، حجه الاسلام و المسلمین آیت الله فی الارضین، آقای آیت الله آخوند ملا محمد کاظم الخراسانی - مدظله العالی - به عرض حضرت مستطاب آقای آیت الله می رساند که این یک مشت فقیر و ضعفاء اهل نهاوند، الی کنون، چندین عریضه به همین قسم، خدمت اولیاء دولت عرضه داشتیم و چندی از اجزاء مجلس محترم را شفیع قرار داده و مدت ها زحمت و دردسر فوق الطاقه در همدان به حضرت مستطاب حجه الاسلام آقای حاجی شیخ محمد باقر بهاری - مدظله العالی - داده و جناب مستطاب مشارالیه تلگرافاً و مکتوباً برای این ضعفا گفتگو نموده و زحمت ها کشیده اند؛ علاجی جهت ما بینوایان فرموده اند؛ لهذا از دست ظلم ملتجی شده، به محضر مبارک که مرحمت فرموده امر و مقرر بفرمائید که در نهاوند انجمن ترتیب داده و اهل بلدیة اختیار و موجب نظام نامه و کیل مقرر بفرمایند به جهت دادرسی ما مظلومان و رفع تعدیات و رسیدگی و نظارت در امور حکومت نهاوند...» (با مهر ۳۲ نفر از اهالی)

به توسط ممتاز الدوله ۱۲۰ از نجف (همان: ۷۸۵)

در همین راستا دولت نیز چنین عریضه ای صادر کرد:

«از کمیسیون داخله به مجلس مقدس اهالی نهاوند اظهار شکایت نموده اند که به واسطه نداشتن انجمن ولایتی، از حکومت تعدیات می شود و خواهش کرده اند از طرف مجلس مقدس، اجازت شود که انجمن ولایتی در نهاوند تشکیل شود و وکیلی هم برای عضویت مجلس مقدس معین گردد، به تهران روانه نمایند. کمیسیون داخله بعد از مذاکرات لازمه، چنین تصویب می نماید که جواب به آنها داده شود که نهاوند جزو ولایات ثلث است و مطابق قانون انجمن ها باید انجمن ولایتی در محل حاکم نشین برگزار شود و چون حاکم نشین ولایات ثلث، دولت آباد است، انجمن ولایتی باید در آنجا تشکیل شود. وکیل تهران چون مطابق قانون انتخابات ملایر و نهاوند و تویسرکان یک حوزه و دولت آباد ملایر مرکز حوزه است، باید دو نفر منتخب درجه اولی از نهاوند معین و روانه دولت آباد شوند که منضم به سه نفر منتخب ملایر و یک نفر منتخب تویسرکان شده، دو نفر نماینده تهران را در درجه ثانیه معین و اعزام نمایند و به همین قسم هم

شده، دو نفر نماینده آنها اینک در مجلس مقدس حاضرند و باید هر مطلبی دارند، به همان نمایندگان خودشان اظهار دارند. متین السلطنه و (ناخوانا)». (همان: ۷۷۷)

و یا پیرامون گزارش اوضاع آشفته و هرج و مرج ملایر هم توسط شیخ ابوالقاسم ملایری و شکایت وی از ناظم العلما در سند ذیل چنین آمده است:

«حضور مبارک آقای ذکاء الملک (فروغی)، رئیس مجلس مقدس - شیدالله ارکانه

چند عریضه از انجمن ولایتی ملایر، دایر بر شکایت از اشخاصی که باعث تعطیل انجمن شدند عرض شده و یک عریضه هم شخصا عرض کردم و جواب لطف نگردید. خاطر مبارک مسبوق می باشد که انجمن های ولایتی به منزله ناموس مجلس مقدس می باشد و حفظ مراتب انجمن از اهم وظایف مجلس می باشد به لحاظ اینکه هرگاه انجمن در بلدی نباشد، آن بلد موسوم نظامی است. من جمله قریب دو ماه می باشد انجمن ولایتی ملایر به واسطه ضدیت جناب ناظم العلما و بعضی آکلین رشوه تعطیل نموده اند و جناب ایشان مانع پیشرفت مقاصد انجمن می باشد. بعضی از اعضای انجمن به واسطه تهدید و تخویف ایشان استعفاء دادند. احقر و دو نفر دیگر از اعضاء که باقی مانده و به واسطه تخویف او استعفاء نداده ایم به حقیر ایراد نموده که چون علاقه ندارید باید در انجمن حاضر شوید. بدین حرف اکتفا نکرده عدم علاقه را موضوع شکایت قرار داده به عدلیه تظلم نموده که شیخ ابوالقاسم که علاقه ندارد چرا باید به انجمن برود و عدلیه هم بر خلاف قانون احضاریه فرستاده. احقر هم به جهت انتظام و دفع فساد حاضر شدم. در عدلیه همچنین معلوم شد که رئیس حفظ حدود متحاکمین را نماید. حکومت هم جرأت مؤاخذه از ناظم العلما ندارد. چنانچه مجلس مقدس در مقام استحکام قدرت انجمن و دفع مخربین بر می آیند فیها؛ والا مقرر بفرمائید به کلی انجمن مفصل گردد که از شرارت ناظم العلما راحت باشیم ...» (پیام بهارستان، ۱۳۹۰: ۴۲۰)، وزارت داخله هم در جواب این نامه چنین نوشت: «انجمن محترم ولایتی ملایر این اظهارات به واسطه اختلافی است که بین اهالی ملایر و جناب آقا شیخ ابوالقاسم رئیس انجمن حادث شده و در این باب اقدامات لازمه به عمل آمده است و البته اکنون رفع قائله شده...

آرم و نشان وزارت داخله

نمره ۳۶۵۷۲/۳۳۸۳

مورخه ۱۹ شهر ذی حجه / ۳۰ جدی ۱۳۲۸» (همان: ۴۲۲)

ضمیمه

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی

در باب استدعای علما و اعیان ملایر از مجلس مقدس راجع به انفصال انجمن ولایتی آنجا، کرارا به آن مقام محترم زحمت داده است که به واسطه اختلافاتی که فی ما بین بعضی از اهالی و انجمن ولایتی روی داده است همه روزه از آنها بر ضد یکدیگر تلگرافات و مکتوبات می رسد. لازم است ایرادات قانونی که به انجمن ولایتی آنجا دارند توضیح نمایند که از روی بصیرت و اطلاع اقدام شود والا به میل چند نفر نمی توان انجمن را منفصل کرد. از طرف وزیر داخله

مورخه ۶ شهر محرم / ۱۷ جدی ۱۳۲۹ (همان: ۴۲۳)

در تحلیل و بررسی این نامه نشان می دهد که برخی از والیان شهرهای کوچک همچون ملایر نظارت انجمن را در ضدیت منافع خویش می دیدند زیرا اعضای انجمن ها به خواسته های این افراد توجهی نداشتند و خود را تابع قانون اساسی می دانستند. (ملک زاده، ۱۳۷۳: ۴۱۱) بنابراین به هر طریقی سعی داشتند تا اعضای انجمن ها را تحت فشار قرار دهند و به همین علت درخواست انحلال انجمن را نمودند و علی الظاهر مجلس نیز از توان لازم برای نظارت کامل برخوردار نبود زیرا حکومت مشروطه نو پا بوده و نمی شد در کوتاه مدت و شتابزده با توجه به مشکلات عدیده ای که وجود داشت در همه شهرها انجمن ایجاد کرده و با دقت بر نحوه رفتار آنان نظارت کنند. به هر حال پس از انتخابات، انجمن ها علی رغم کارشکنی های بسیار به کارهای گوناگون پرداختند، مثلا در غرب کشور نا آرامی هایی از سوی ایلات و عشایر رخ داد و انجمن های ایالتی و ولایتی که از ارکان نظام مشروطه بودند وظیفه داشتند تا امنیت را در این مناطق برقرار نمایند. بنابراین توانستند با تلاش بسیار طرق و شوارع را امن و مردم را آسوده خاطر کنند. در حوزه مالیات نیز که بزرگترین چالش میان حاکم و رعیت بود انجمن ها دخالت کردند و به عنوان واسطه بین مردم و حکومت از فرار مالیاتی جلوگیری و از بروز هرج و مرج ممانعت نمودند. با این وجود، خواستار تخفیف مالیاتی نیز شدند تا اقشار مختلف جامعه تحت فشار قرار نگیرند.^۱ از طرفی هم، برخی از انجمن ها در خصوص عملکرد و لوایح مجلس شورای ملی اظهار نظر و بیانیه صادر می کردند به طور نمونه در سند ذیل اینگونه آمده است:

^۱ - ماده ۹۱ قانون انجمن های ایالتی و ولایتی حق نظر در وصول و ایصال مالیات به هر عنوان که موافق قانون مقرر شده باشد دارد. تصفیه شکایات راجع به مالیات و همچنین تحقیق در باب استدعای تحقیقات و تشخیص امر آفات برعهده انجمن ها است.

«دفتر انجمن ایالتی خراسان در خصوص تجدید انتخابات هیئت رئیسه کمیسیونها و شعبات مجلس شورای ملی و تصویب قانون شرایط حمل اسلحه در مجلس

اطلاعات مهمه که در ظرف این دهه اخیر واقع شده از این ایالت

۱- بعد از آنکه قانون شرایط حمل اسلحه از مجلس شورای ملی گذشت با تفصیلی که شرح آن را در مطبوعات جلیله ملاحظه فرموده اید، با اقدامات وزارت داخله (کشور) از عموم طبقات مجاهدین و غیرهم (یعنی همه مردم)، حمل اسلحه ممنوع و قدغن شد، فعلا به جزء مأمورین رسمی نظامی احدی حمل اسلحه نمی کند. (نکند)

۲- در باب رد استقراض خارجی و تقاضای قرض از اغلب نقاط ایران کتبا و تلگرافا مخابرات جاری است (دریافت می شود) و کمیسیون مخصوص برای تصفیه لوایح راجع به آن مشغول است. (صاف کردن یا بررسی و تفسیر لوایح)

۳- برحسب نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی از روز سه شنبه ۲۴ ربیع الاول، شروع به تجدید انتخاب هیئت رئیسه و کمیسیونها و شعبات مجلس شورای ملی شده در این چند روزه قسمت عمده اوقات مجلس مصروف ترتیبات داخلی بود. (قانون گذاری)

۴- به جای آقایان صنیع الدوله و مشیرالدوله و وثوق الدوله که از مقام وکالت مستعفی شدند و به وزارت معلى شدند (وزارت کشور)، جنابان علی اکبر دهخداى قزوینی و دبیر الملک شیرازی و مرتضی قلیخان پسر صمصام السلطنه از طرف مجلس باکثرت تامه (اکثریت آراء) انتخاب شدند.

۵- جنابان ستارخان سردار ملی و باقرخان سالار ملی روز جمعه چهارم شهر جاری (ماه جاری) با کمال حشمت و احترام وارد طهران شدند. (ربیع الثانی ۱۳۲۸، دفتر انجمن ایالتی خراسان، نمره ۱۷۹۹)

(سند شماره ۴، آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره آرشیو عکس ۲۷ - ۲۰۲۲۵)

از محتوای این سند چنین استنباط می شود که اعضای این انجمن صرف نظر از وظایفی که در شهرها داشتند تلاش می کردند تا در زمینه تصمیم گیریهای مجلس شورای ملی نیز در خصوص مسائل گوناگون و سرانجام تصویب لوایح اظهار نظر کنند و به نوعی نظرات خویش را هم به آنها تحمیل نمایند.

و یا زمانی که محمد علی میرزا قصد بازگشت به کشور و براندازی حکومت مشروطه را داشت انجمن ایالتی خراسان و سیستان نسبت به این موضوع در نامه ای به دارالشورا و هیئت وزرا چنین

واکنشی را نشان داد زیرا بدین مسئله به شدت اهمیت می داد و در آن زمان خاص منافع ملی را به شهرها ترجیح داده و فراتر از وظایف خود عمل کرد: «مقام منیع دارالشورای کبری و

هیئت وزرای عظام

قبول حمایت و مشروطه مقرون با ملت ایران با دولتین انگلیس و روس در صورتی نمودیم محمد علی میرزا هیچ اقدامی بر ضد دولت مشروطه ننماید حال از قرار مسموع بعد از همه انتزاع وافی سرحد ایران آمده و خیال ورود دارد ما ملت خراسان در صورت صحت نفرت خود از این اقدامات پیشنهاد کرده با یک صدای رسائی که ملل و دول عالم بشنود میگوئیم که آدم بعد از این همه خیانتها به مملکت و این حرکت آخری در تحت حمایت دولتین ندانسته (ناخوانا) مقرون باطل و دفاع از مملکت مشروطه خواهیم کرد و از وزارت خارجه مستمند هستیم و پروتست (اعتراض) به تمام دول اعلان کرده مخصوصا به دولت روس اظهار داشته که اگر وارد ایران شد به موجب قرار داد دولتین ایران این شخص از حمایت خود بری دانسته اند و حول مجدد او به خاک روسیه ممانعت کنند تا ایران به تکالیف ملیه خود رفتار (ناخوانا). انجمن ایالتی خراسان و سیستان، کتاب ثبت ۴۰۰۰، جلد ۳۲ جزو ۲۸ رجب ۱۳۲۹»

یا تلگرافی که از قوچان به مشهد در خصوص اعتراض به اعمال خودسرانه روسیه ارسال کردند تا آنان را سریع از کشور اخراج نمایند چون می دانستند که روسها بعد از خراسان به سایر شهرهای ایران نیز رخنه خواهند کرد، بنابراین باید سریع خارج شوند: «به توسط انجمن ایالتی خراسان به عموم پارلمان های دول متمدنه اعلام می نماید در موقع انقضای مجلس مشروطه در ملک خراسان (ناخوانا) عساکر روسیه با قوای حربیه خارجه از مرسوم به عنوان حفظ اتباع خود با محفوظ بودن اتباع آنها جانا و مالا همه وقت در کلیه مملکت ایران به جهت دارند ممانعت از مداخله آنها را به حکم قوانین بین الملل جدا و عاجلا خواهانیم. انجمن ولایتی قوچان ربیع الثانی ۱۳۲۷». (سند شماره ۵، آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره آرشیو عکس ۱۶۹۱۶)

۲-۱-۳- کاهش نفوذ و اختیارات انجمن ها

آشفته گی های و نابسامانی های عصر مشروطه و تزلزل مدیریت در ابعاد کشوری و محلی، بسیاری از بزرگان را بر آن داشت که هرچه بیشتر قدرت را در نقطه واحدی متمرکز کنند و بدین طریق از تغییر مکرر کابینه ها و حکمرانان بکاهند. خصوصا ناصرالملک زمانی که نایب السلطنه شد، برنامه ای

در ده بند به مجلس ارائه داد که بند چهارم آن چنین است: «دولت اقدامات فوری را برای تزئید قوای حکومت مرکزی و ممانعت از عدم مرکزیت و هرج و مرج خواهد نمود. برای حصول این مقصود، لازم است قوانین انجمن های ایالتی و ولایتی بنا به صوابدید مستشاران اروپایی که در استخدام دولت هستند، جرح و تعدیل شود.» (رضا زاده ملک، ۱۳۷۷: ۴۶۹)، مجلس مشخصا کاری در جهت تعدیل قانون مذکور انجام نداد اما با تصویب قوانینی در جهت تعدد مراکز مدیریت شهرها، عملا از اختیارات انجمن ها کاست. از آن جمله «قانون بلدیة» مصوب بیستم ربیع الثانی ۱۳۲۵ بود که ماده اول آن می گفت: «مقصود اصلی از تاسیس بلدیة حفظ منافع شهرها و ایفای حوائج اهالی شهرنشین است.» بر طبق این قانون، در همه شهرها باید مجمعی انتخابی به نام «انجمن بلدیة» امور شهر را اداره می کرد و این انجمن از جهت اینکه وظایف مشخصی داشت و نیز از اعضای بیشتری تشکیل می شد (به ترتیب اندازه شهر: شانزده، بیست و سی نفر) و بالاتر از آن مالیات اصناف و امور اجرایی شهری و ارزاق را برعهده داشت، به صورت قدرتی در مقابل انجمن قد علم کرد؛ چنانکه در موارد بسیاری با انجمن محلی درگیر می شد. پس از آن در چهارم ذی قعدة ۱۳۲۵ ق قانون مفصل و پانصد ماده ای «تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام» از تصویب مجلس گذشت. ماده ای از همین قانون که وظایف حاکم را مشخص کرده، می گوید: «چون از طرف دولت امور ولایت به عهده کفایت صداقت حاکم که رئیس ولایت است، محول شده، حاکم باید بیش از همه در حفظ منافع و مصالح دولت و ملت و اجرای قوانین و نظام نامه ها و دستورالعملهای ادارات متنوعه و قراردادهای انجمن های ولایتی و بلدی بکوشد...».

ماده بعد صراحتا عمل نظارتی را که انجمن های محلی — به واسطه آنکه خود را نماینده مردم می پنداشتند — از آن خود می دانستند، به حاکم نیز داده است: «با توجه به اینکه حاکم، نماینده دولت در ولایت است و نظارت تمام امور کشوری به عهده او تعلق می گیرد، لهذا حق دارد که بی مقدمه به تمام دوائر کشوری سرکشی نماید.»

طبق ماده مذکور، حاکم در انتخابات نیز صاحب قدرت شد: «حاکم باید در امر انتخابات و کلای دارالشورای ملی و منتخبین انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی، نهایت جد و جهد را منظور دارند و ناظر باشند...». ماده ۱۹ این قانون درواقع حاکم را مشخصا در رتبه ای بالاتر از انجمن های محلی می نشاند: «چون حکام مسئول نیک و بد امور قلمرو خود هستند، باید مواظب باشند که انجمنهای ولایتی و بلدی از حدود وظایف خود خارج نشوند.» در ماده ۴۰ با مبهم گذاشتن مقصود از کلمه

انجمن که محلی است یا مردمی، دست حاکم در انحلال انجمن ها باز گذاشته شده است: «در صورتی که حکام مشاهده کنند که اقدامات انجمن یا حوزه مخالف اصلی از اصول قانون اساسی بوده، تولید فساد می کند... پس از تحقیق، حق دارد آن انجمن یا حوزه را تعطیل کند.» نیز حاکم باید به تشکیل اداره ای به نام «اداره ولایتی» اقدام نماید که به تناسب تعریف و اختیاراتش دیگر جایی برای انجمن های محلی باقی نمی ماند. از این رو جای تعجب نداشت که انجمن اصفهان وقتی با قدرت ظل السلطان در افتاد، چند سال بعد به چنان وضعی گرفتار شد که «نماینده حکومت... خیلی هتاک و بلکه صریحا فحش به اعضای انجمن می دهد. اعضای انجمن هم فوراً انجمن را منحل و فردای آن روز مطالب را به تهران تلگراف می کنند.» (روزنامه تمدن، ۱۳۲۹ ه.ق، ش ۳/۲۲)

انجمن های محلی مدتی پس از استبداد صغیر، به دلایل متعدد بالاترین سرمایه خود، یعنی توجه و حمایت مردم را از دست دادند. به عنوان نمونه عدم توجه مردم اصفهان به انجمن این شهر را به خوبی می توان از میزان مشارکت آنها در انتخاب انجمن فهمید. پس از استبداد صغیر، در دوره جدید انجمن ولایتی، روزنامه زاینده رود راجع به شرکت مردم در انتخابات انجمن محلی، انتخاباتی که برای انتخاب دو نفر کسری انجمن برپا شده بود، نوشت: «اصفهان در انتخابات اخیر به جهت دو نفر وکیل انجمن، بی حسی اهالی را تعرفه کاملی بود؛ چرا که پس از آن همه اعلان و اعلام که از یک ماه پیش شده، در میانه صد هزار نفوس، فقط قریب سیصد نفر تعرفه گرفته و دویست نفر رای دادند.» (روزنامه زاینده رود، ۱۳۲۸ ه.ق، ش ۳/۳۸) جالب آنکه یکی از دو نفری که از صندوق رای بیرون آمد، میرزا محمود یمین السلطنه، فرزند ظل السلطان، بود که تنها با پنجاه و شش رای، راهی انجمن ولایتی اصفهان گردید. البته تبریز اوضاع بهتری داشت؛ چرا که در همین زمان پس از انجام انتخابات انجمن ایالتی، معلوم شد سه نفر نخست، هریک بیش از سه هزار رای آورده اند. (روزنامه مجلس، ۱۳۲۹ ه.ق، ش ۴/۱۳۲)

از طرفی عملکرد ضعیف انجمن ها خشم مردم را برانگیخت در این زمینه ژانت آفاری می گوید: «دو سال از اعاده حکومت مشروطه می گذشت اما برای بهبود اقتصاد کشور یا حل و فصل مسائل عدیده اجتماعی که در انقلاب بروز یافته بود، گامهای ملموس چندانی برداشته نشده بود... خشم مردم در حمله مستقیم به نهادهای جدید مشروطیت، انجمن های ایالتی و ولایتی و دادگاهها تجلی می یافت.» (آفاری، ۱۳۷۹: ۴۰۴)، یکی از این حملات متوجه انجمن ولایتی اصفهان شد. «روز

شنبه هفتم جمادی الاول ۱۳۲۹. ق. عده‌ای از مردم در اعتراض به کمبود و سختی نان در اطراف بلدیۀ اصفهان تجمع کردند. مردم خشمگین، معاون بلدیۀ را از محل کار بیرون کشیده، در میدان نقش جهان به دار زدند. سپس به انجمن ولایتی (در محل چهلستون) ریخته، اثاثیۀ آن را غارت کردند. آنها سپس به سراغ عدلیه و اداره تحدید تریاک رفته، آنجاها را نیز چپاول نمودند». (روزنامه زاینده رود، ۱۳۲۹.ه.ق، ش ۲/۱۵) البته بلافاصله واحدهای صنفی چون اتحادیه تجار و اصناف این حرکت را به عده‌ای اوباش تحریک شده نسبت دادند. (همان، ش ۳/۱۶) اما در عدم ضرورت و کارآیی انجمن ولایتی همین بس که انجمن اصفهان تا شش ماه بعد از این ماجرا تعطیل بود و آنچه موجب شد انجمن اصفهان دوبارۀ راه‌اندازی شود، مسالۀ اولتیماتوم روسیۀ و هیجانی بود که در سراسر ایران ایجاد شد. (روزنامه مجلس، ۱۳۲۹، ش ۳/۴۴)، همچنین ادارات و انجمنهای شهرهایی چون کرمانشاهان، یزد و قزوین نیز مورد حمله مردم قرار گرفتند. (عین السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۵/ 3479 و ۳۵۳۵ و ۳۵۷۳)

متأسفانه مردم شهرهای مختلف از همان ابتدا با تردید به انجمن‌ها نگرستند و عملکرد آنان را قبول نداشتند علی‌رغم تلاشهایی که اعضای انجمن در جهت اجرای قوانین مشروطه و کمک به وضعیت نابسامان مردم انجام دادند اما به خاطر اختلافات دولتمردان ایران و ضعف مجلس شورای ملی و بحران سیاسی در کشور به واسطه دخالت نیروهای بیگانه و نیز مشکلات مالی و در بعضی شهرها سوء استفاده برخی از اعضاء، این نهادها به تعطیلی کشانده شدند و نتوانستند اهداف نظام مشروطیت را به درستی اجرا نمایند.

نتیجۀ گیری

با استقرار نظام مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی جهت برقراری نظم در کشور و نظارت دقیق بر حسن اجرای قانون و رسیدگی به احوال مردم بویژه طبقه فرو دست جامعه، بنا به صلاحدید نمایندگان، انجمن بلدیۀ که شورای شهر بود و از طرفی وظایف شهرداری را انجام می‌داد و نیز انجمن‌های ایالتی و ولایتی که شبیه استانداری یا فرمانداری‌های امروزی بود شکل گرفت به طوریکه اعضای آن در مسائل سیاسی هم دخالت می‌کردند و برخلاف بلدیۀ که مخصوص یک شهر بود آنان کل منطقۀ را اداره می‌نمودند و وظیفه داشتند تا امنیت را ایجاد و از بروز فتنه و آشوب جلوگیری و بودجه لازم را برای ایالت و ولایت خویش فراهم نمایند. آنها پس از انتخابات

در اوایل کار با توجه به نوپا بودن انجمن اقدامات عام المنفعه ای را انجام داده و به رفاه حال مردم یاری رساندند اما با گذشت زمان برنامه آنان با انجمن بلدیة تصادم پیدا کرد و همین امر درگیری هایی را به دنبال داشت و باعث ناخرسندی اقشار مختلف جامعه شد.

انجمن های مزبور نقطه اتکای نمایندگان مجلس به ویژه در زمان اختلاف میان محمدعلی شاه و مجلس بودند. شدت اختلاف میان شاه و مجلس منجر به بمباران مجلس توسط محمدعلی شاه گردید و در زمان فقدان مجلس شورای ملی، انجمن ها نقش اساسی ایفا نمودند و با عزل وی از سلطنت قانون جدید انتخابات توسط هیئتی از طرف دولت مرکزی و با موافقت انجمنهای ایالتی و ولایتی در تاریخ دوازدهم جمادی الثانی ۱۳۲۷ق تنظیم و انتخابات براساس آن برگزار گردید. با این حال انجمن ها می توانستند پایه های دموکراتیک مستحکمی برای نظام نوین سیاسی ایران بنا کنند اما متأسفانه سرنوشت نامطلوب مشروطه عاقبت کار این انجمن ها را نیز به تاریکی و تیرگی کشاند. انجمن های ایالتی و ولایتی که پس از پیروزی انقلاب مشروطه، به عنوان نماد این انقلاب شکل گرفتند اما هرچه مشروطیت مستبدانه تر می گردید، انجمنها نیز ضعیف و بی اثر می شدند و این روند ادامه داشت تا اینکه بود و نبود آنها علی السویه گردید. از سویی نیز ضعف و ناتوانی حکومت مرکزی، اختلاف نظر نمایندگان مجلس و اعضای انجمن، عدم کفایت برخی از اعضاء، کمبود بودجه، حضور دولتمردان روسیه و انگلستان در کشور، عدم اطاعت و خودسری برخی از طوایف و اقدامات خرابکارانه جمعی از آشوبگران، انگیزه انجمن ها را ضعیف کرد و سرانجام اکثر آنان تعطیل و بحران و ضعف مدیریتی اقصی نقاط کشور را فرا گرفت و این نقطه ضعف بزرگی برای حکومت مشروطه ایران بود که علی رغم تصویب قانون و نتوانست آن را به خوبی اجرا و در نهایت باعث آبادانی و توسعه کشور شود.

فهرست منابع

اسناد:

- (سند شماره ۱، آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره آرشیو عکس ۱۴۴-۵۲-۱۷م)
- (سند شماره ۲، آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره آرشیو عکس ۱۴۴-۵۲-۲۲م)
- (سند شماره ۳، آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره آرشیو عکس ۱۴۴-۵۲-۲۴م)

- (سند شماره ۴، آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره آرشیو عکس ۲۷ - ۲۰۲۲۵)
- (سند شماره ۵، آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره آرشیو عکس ۱۶۹۱۶)
- پیام بهارستان (فصلنامه اسناد، مطبوعات و متون)، دوره دوم، سال چهارم، شماره ۱۳، پائیز ۱۳۹۰.

کتابها:

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۳). ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران، چ ۹، نی.
- آدمیت، فریدون. (۱۳۸۷). ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، تهران، گستره.
- آفاری، ژانت. (۱۳۷۹). تاریخ مشروطه ایران، ترجمه رضا رضایی، تهران، بیستون.
- رضا زاده ملک، رحیم. (۱۳۷۷). تاریخ مشروطه ایران به روایت اسناد وزارت امور خارجه انگلیس (کتاب آبی)، تهران، انتشارات معین و مازیار.
- شمیم، علی اصغر. (۱۳۸۳). ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، چ ۲، زریاب.
- عیسوی، چارلز. (۱۳۶۲). تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، گستره.
- عین السلطنه، قهرمان میرزا سالور. (۱۳۷۴). روزنامه خاطرات عین السلطنه، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، ج ۳ و ۵، تهران، اساطیر.
- فوران، جان. (۱۳۸۷). مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران، چ ۸، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- فیضی، طاهره. (۱۳۷۶). مبانی مدیریت دولتی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- کسروی احمد. (۱۳۸۲). تاریخ مشروطه ایران، تهران، مؤسسه انتشارات آگاه.
- مذاکرات مجلس. (۱۳۲۵ ه. ق). اولین دوره قانونگذاری، تهران، چاپخانه مجلس.
- ملک زاده، مهدی. (۱۳۷۳). تاریخ مشروطیت ایران، ج ۲، تهران، علمی.
- میرزا صالح، غلامحسین. (۱۳۸۴). مذاکرات مجلس اول، تهران، مازیار.

مقالات:

- فلاح توتکار، حجت و بیطرفان، محمد. شکل گیری نخستین انجمن شهری قزوین در عصر مشروطیت، فصلنامه علمی - ترویجی اسناد بهارستان، دوره جدید، شماره ۵، پائیز و زمستان ۱۳۹۳.

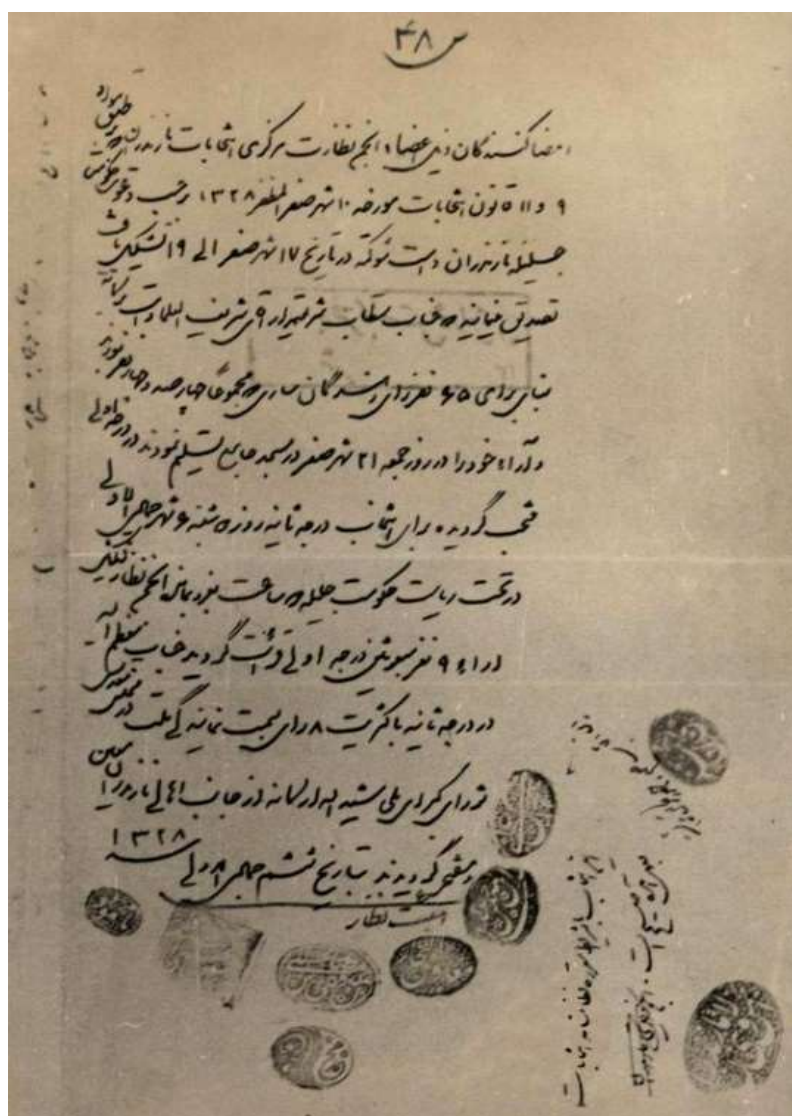
.....، شکل گیری و عملکرد انجمن بلدیة تبریز در دورہ اول مجلس شورای ملی، فصلنامہ گنجینہ اسناد، سال ۲۲، دفتر سوم، پائیز ۱۳۹۱.

.....، شکل گیری و عملکرد انجمن بلدیة اصفهان در دورہ اول مجلس شورای ملی، فصلنامہ مطالعات تاریخ فرهنگی، سال ۲، شماره ۷، بہار ۱۳۹۰.

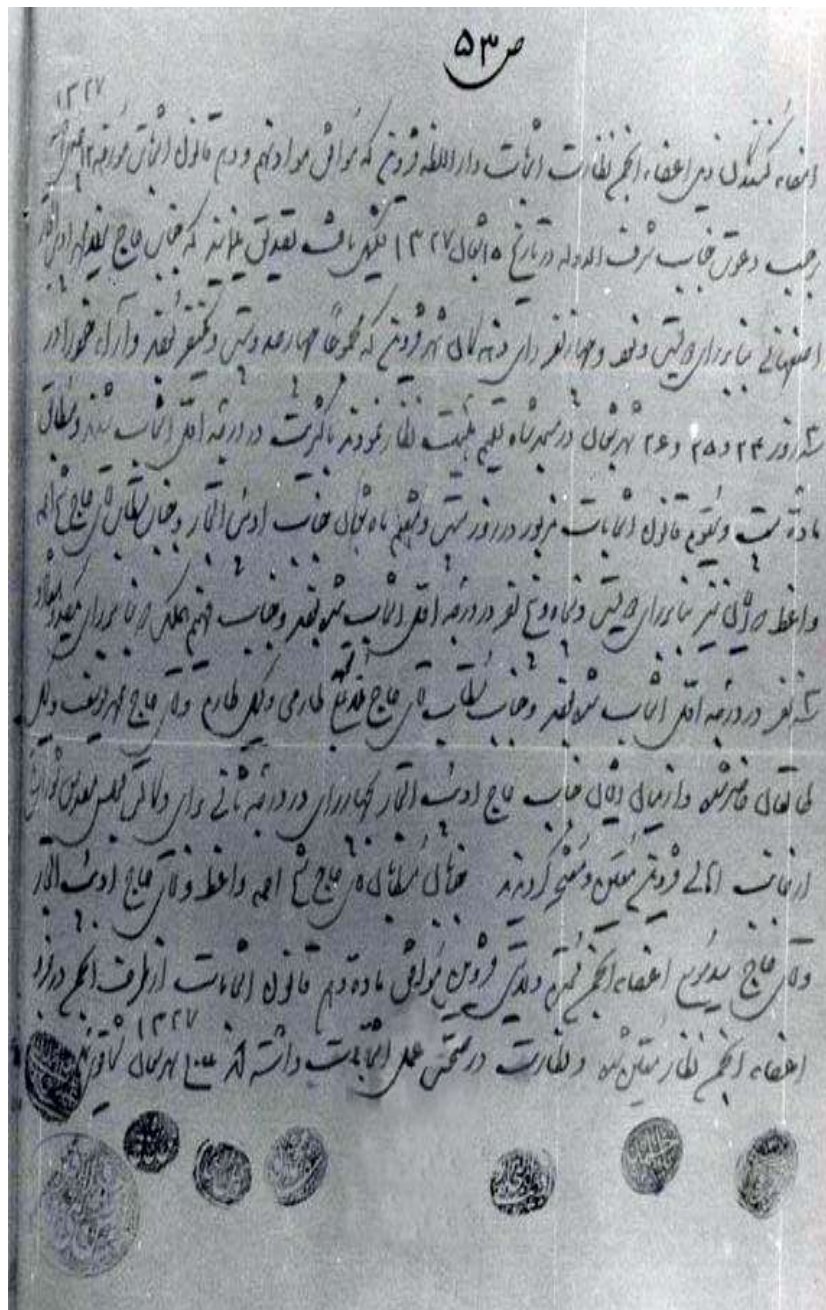
روزنامہ

- روزنامہ انجمن بلدیہ، سال اول، ش ۸، شوال ۱۳۲۵.ق.
- روزنامہ انجمن مقدس ملی اصفهان، سال اول، ش ۴۶، ۱۰ شوال ۱۳۲۵.ق.
- روزنامہ ایران، سال ۵۹، ش ۱۱، ۹ رجب ۱۳۲۴.ق.
-، سال ۶، ش ۱۰، ۱۳۲۵.ق.
- روزنامہ تمدن، سال ۴، ش ۲۲، جمادی الاول ۱۳۲۹.ق.
- روزنامہ جبل المتین، تہران، سال ۱، ش ۱۱۶-۱۳۹، ۴ رمضان ۱۳۲۵.ق.
- روزنامہ زاینده رود، سال ۲، ش ۳۸، ذی القعدہ ۱۳۲۸.ق.
-، سال ۳، ش ۱۵-۱۶، جمادی الاول ۱۳۲۹.ق.
- روزنامہ صبح صادق، سال ۱، ش ۱۱۴-۱۹۱-۲۱۳، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶.ق.
- روزنامہ کشکول، سال ۱، ش ۲۳، ۱۳۲۵.ق.
- روزنامہ مجلس، سال ۴، ش ۱۳۲، شعبان ۱۳۲۹.ق.
-، سال ۵، ش ۴۴، ذی الحجہ ۱۳۲۹.ق.
- روزنامہ ندای وطن، سال ۱، ش ۸۲، چهارشنبہ ۸ رمضان ۱۳۲۵.ق.

پیوست ها: تصویر اسناد



(سند شماره ۱)



(سند شماره ۲۵)

(سند شماره ۳۵)



از قریب
اداره افسرانی دولت علیه ایران
به سید

نمبره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	
۱	۲۰				

بسط انجمن لایحه خلع مردم با ریشها و ل محمد نه اهدام بنیاد در سرع نقاد بستر شرط در کفایت

در هوای کر و دیه با قوا و حربه حاج از مردم بنبطلم حفظ تبع و خفا با حفظ بون آب و

انها جان و مال و هر وقت در کینه مملکت اکتف به جبهه دارند محافت از مدافعه آنها را بکم قوا

بین الدول جدا و عجله خراشیم انجمن ولایت قریب

بسم الله
ابتداءً بفتح غم
شهر مح آ
سنه ۱۳۳۷
کادر نیل
گرفته شد

(سند شماره ۵)